

بررسی تاثیر آموزش ابتدایی پیش‌دبستانی بر یادگیری مهارت‌های روانی و حرکتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

کد مقاله: ۱۸۳۷۹

پری هادی یاسینی^۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش ابتدایی پیش‌دبستانی بر یادگیری مهارت‌های روانی و حرکتی می باشد در همین راستا با استفاده از روش کتابخانه ای به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پرداخت شد و در نهایت به ارائه پیشنهاداتی در این زمینه خاتمه یافت. نتیجه پژوهش حاکی از آن بود که امروزه با توجه به مفهوم تعلیم و تربیت، بحث آموزش در دوران اولیه ی کودکی گسترش کمی و کیفی یافته است و آموزش و پرورش پیش از دبستان عبارتست از آموزشی که از زمان تولد آغاز و تا شروع اولین سالهای دبستان پایان (۶ سالگی) ادامه می یابد در چنین سال‌هایی کودکان مراحل مهم و حساس زندگی خود را از جهات شخصیتی اجتماعی و آموزشی پشت سر می گذرانند. آموزش هرگز یک جنبه ندارد بلکه جنبه‌های عقلانی، عاطفی اجتماعی و جسمی توأمأ عمل می کنند.

واژگان کلیدی: آموزش ابتدایی، پیش‌دبستانی، مهارت‌های روانی-حرکتی

آموزش و پرورش پیش دبستان برنامه هایی است که برای کودکان سه تا شش ساله قبل از ورود آنها به دوره دبستان ارائه می شود ویژگی مهم این، دوره عبارت است از کودک محوری استفاده از بازی و فعالیت های جسمانی کودک و فراهم ساختن محیطی محرک و برانگیزاننده برای رشد عقلانی، اجتماعی، کلامی عاطفی و جسمانی کودک آموزش پیش دبستان برنامه ای کودک محور و منطبق بر بازیها و فعالیت های کودک است و باید محیطی مناسب جهت رشد هوشی کودک فراهم آورد در آموزش پیش دبستان، زمینه های ایجاد مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن و همچنین زمینه تجارب مستقیم و دست اول برای کودکان فراهم میشود اگر چه در این دوره طراحی آموزش و جدول بندی زمانی و نظم در برنامه ها هم مورد تاکید قرار میگیرد اما برنامه ها نسبت به نیازهای کودکان انعطاف پذیر است. همچنین در برنامه های آموزش پیش دبستانی ایجاد خود انضباطی یعنی انضباطی که از درون خود کودک ناشی میشود مورد تاکید قرار میگیرد. دکتر فرخنده مفیدی در کتاب خود با عنوان آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی چنین بیان میکند که مفهوم آموزش و پرورش پیش دبستانی معمولاً به تجارب کودکان در مهدهای کودک کودکانها و دوره های آمادگی اشاره دارد.

آموزش مهارت اجتماعی در پایین ترین مقطع تحصیلی با مهارت های شناختی و تعیین هویت دیگران آغاز می شود و هدف نهایی آن یادگیری راههای مناسب و قابل قبول است به بیان دیگر رشد عاطفی از الگوی شناختی پیروی میکند و از طریق اجرای مقررات و ضوابط موجود محیط و در مرحله نهایی در مسیر اطاعت از یک نظام ارزشی مشخص قرار می گیرد. رفتار شخص و نظام ارزشی او تفکیک ناپذیر میشوند و از این رو هدف از آموزش مهارت های شناختی و عاطفی آن است که به کودکان در کسب ارزشها و به کار بردن این ارزش ها در رفتار یاری دهد. (دمیرچی لو، ۱۳۹۲)

اغلب مهارت های اجتماعی دارای دو بعد شناختی و عاطفی هستند به عنوان مثال کودکی که قادر بر کنترل احساسات خود نیست پرخاشگری میکند. خود را به طور منفی ارزیابی مینماید و ارتباط کمی با همسالان خود دارد. چنین فردی هم از لحاظ عاطفی دچار هیجانات منفی مثل خشم، تنفر و... است و هم تصویری منفی از خود در ذهن دارد و این دو امر بر روی میزان ارتباط او با دیگران تاثیر سو دارد آموزش بعد عاطفی در مهارت های اجتماعی دارای جنبه های مختلف و مرتبط با همدیگر است. در پایین ترین و ابتدایی ترین سطح مزبور، شناخت و تعیین هویت و نوع عواطف دیگران مطرح میباشد و هدف غایی چنین آموزشهایی ارائه راههای مناسب و قابل قبول برای ابراز هر نوع احساس و در هر شرایطی است (ابراهیمی قوام، ۱۳۹۴) در اولین قدم برای انتخاب مهارتها برای یک کودک باید به مرحله ی رشد او توجه داشت. بدین معنی که آیا کودک برای انجام آن مهارت قابلیت های جسمانی و شناختی لازم را داراست؟ دوم اینکه باید به زمینه های فرهنگی رفتارهای اجتماعی توجه کرد و معیارهای رفتاری بزرگسالان و همسالان کودکان را در محیطی که وی در آن زندگی میکند در نظر گرفت بعد از در نظر گرفتن این ملاحظات باید به سنجش مهارت های شناختی و عاطفی کودک پرداخت. در پژوهش حاضر مهارت های روانی - حرکتی به عنوان متغیرهای اصلی در نظر گرفته شده اند. یکی از عوامل تعامل انسان با محیط رفتارهای روانی - حرکتی است این رفتارها دارای تظاهرات متعددی مثلاً در کارهای، صنعتی حرفهای تکنیکی مهارت های شغلی اعمال، تجاری وظایف، روزمره، رانندگی، موسیقی هنر و همبطنور تربیت بدنی و ورزش میباشد در حالی که به نظر میرسد حیطه روانی اینگونه رفتارها مورد غفلت واقع شده است. کارشکی (۱۳۹۵) بر ضرورت توجه به آمادگی های جسمی و حرکتی کودکان در دوره پیش از دبستان تاکید کرده است. او سعی کرده است ابتدا سالهای اولیه کودکی را به عنوان مرحله ایده آلی برای یادگیری مهارت های حرکتی بشناساند. سپس قابلیت ها و توانایی های کودکان را از نظر آموزش و یادگیری مهارت های حرکتی مد نظر قرار دهد. هدف آموزش های اولیه کودکان اجتماعی بار آوردن جامعه پذیری آنان است (میزل ۱۹۹۶، وینووسکیز، ۱۹۹۴) توانایی برای استدلال منطقی و کمی (همچون معلمان) پایه و رکن مهارت شناختی را در مدرسه شکل میدهد مهارت های شناختی عاطفی کودکان ممکن است با پیشرفت تحصیلی T بعدی آنها در ارتباط باشد اسواتز و والکر، (۱۹۸۴) و تجارب آنها با همسالان، خود احتمالاً روی نگرشهای آنان در ارتباط با مدرسه و یادگیری نیز تاثیر میگذارد کاگان و همکاران (۱۹۹۵) امروزه فرایندهای شناختی و عاطفی یکی از مهمترین عوامل تبیین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان محسوب می شود موارخ (۲۰۰۷) منظور از فراشناخت آگاهی فرد از فرایندهای شناختی خویش و کنترل و تنظیم شناخت است (فلاول ۲۰۰۵)

به مدد پژوهش های مختلفی که در زمینه تاثیر دوره پیش دبستانی بر مهارت های عو روانی حرکتی دانش آموزان در دوره بعد انجام شده اند این نکته خود را برجسته ساخته که آموزش های پیش دبستانی تأثیر بسزایی بر مهارت های، شناختی عاطفی و روانی حرکتی دانش آموزان دبستانی دارد و لزوم برنامه ریزی مناسب در این زمینه برای پیش دبستانی ها را گوشزد میکند. لذا این تحقیق در صدد یافتن پاسخ به این سوال می باشد که آیا آموزش پیش دبستانی بر یادگیری مهارت های روانی - حرکتی دانش آموزان دوره ابتدایی تاثیر می گذارد؟

۲- تعریف دوره پیش دبستانی

آموزش و پرورش پیش دبستان برنامه‌هایی است که برای کودکان سه تا شش ساله قبل از ورود آنها به دوره دبستان ارائه میشود ویژگی مهم این دوره عبارت است از کودک محوری استفاده از بازی و فعالیتهای جسمانی کودک و فراهم ساختن محیطی محرک و برانگیزاننده برای رشد عقلانی، اجتماعی کلامی، عاطفی و جسمانی کودک آموزش پیش دبستان برنامه‌ای کودک محور و منطبق بر بازیها و فعالیتهای کودک است و باید محیطی مناسب جهت رشد هوشی کودک فراهم آورد در آموزش پیش دبستان، زمینه‌های ایجاد مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن و همچنین زمینه تجارب مستقیم و دست اول برای کودکان فراهم میشود اگر چه در این دوره طراحی آموزش و جدول بندی زمانی و نظم در برنامه‌ها هم مورد تاکید قرار میگیرد اما برنامه‌ها نسبت به نیازهای کودکان انعطاف پذیر است. همچنین در برنامه‌های آموزش پیش دبستانی ایجاد خود انضباطی یعنی انضباطی که از درون خود کودک ناشی میشود مورد تاکید قرار میگیرد. دکتر فرخنده مفیدی در کتاب خود با عنوان آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی چنین بیان میکند که مفهوم آموزش و پرورش پیش دبستانی معمولاً به تجارب کودکان در مهدهای کودک کودکستان‌ها و دوره‌های آمادگی اشاره دارد. البته هنوز تعریف دقیقی از آموزش سال‌های اولیه به عمل نیامده است. روان‌شناسان کودک معمولاً بین طفولیت دوره‌ی اولیه‌ی کودک و دوره‌های بعدی زندگی کودک تمایزاتی قائل‌اند و هنگام بحث درباره‌ی دوره‌های رشد از این طبقه بندی هاسخن می‌گویند. ولی ظاهراً آن‌ها نیز در ارائه‌ی معیارهای پایدار برای تعیین دقیق زمان شروع و خاتمه‌ی آموزش در دوران اولیه‌ی کودک با شکست مواجه گردیده‌اند (کدیور، ۱۳۹۳).

بعضی از آنها از دوران اولیه‌ی کودک را بر حسب سن زمانی و بعضی دیگر این دوران را بر حسب شاخص‌های رشد و پختگی مشخص نموده‌اند و مثلاً گفته‌اند شروع آن زمانی است که کودک در راه رفتن استقلال پیدا می‌کند. پاره‌ای دیگر از صاحب نظران کسب مهارتهای زبانی و رشد عاطفی اجتماعی کودک را آغاز این نوع آموزش‌ها به شمار می‌آورند معمولاً هر یک از دوره‌های طبقه بندی شده به نامهای متفاوتی در کشورهای مختلف معرفی گردیده‌اند. به عنوان مثال مراکز مراقبت روزانه مهد کودک کودکستان و دوره‌های آمادگی (همان منبع).

در کشورما آموزش کودکان در این دوره سنی که تحت پوشش سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش می‌باشد، به صورت زیر تعریف گردیده است: مهدکودک به مراکز اطلاق میشود که برای نگهداری، مراقبت و آموزش و پرورش قبل از دبستان کودکان سالم از سه ماهگی تا پایان ۵ سالگی درسه بخش شیرخوار (۳) تا ۱۸ ماهگی نوپا (۵/۱) تا ۵/۳ سالگی و نوباوه (۳) سال تا پایان ۵ سالگی تشکیل و اداره می‌شود (مفیدی، ۱۳۸۱). کودکان پنج سال تمام در این تعریف تحت پوشش آموزش و پرورش قرار می‌گیرند و در دوره‌های آمادگی به مدت یک سال آموزش می‌بینند. لازم به ذکر است که چنانچه کلیات طرح تغییر بنیادی نظام آموزش می‌باشند و پرورش کشور پس از تصویب به اجرا در آید کودکان ۵ و ۶ ساله ملزم به گذراندن این دوره در مدارس اساس: در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور جایگاه ویژه خواهند داشت. اخیراً طبق مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش سازمانهای آموزش و پرورش استانها در صورت داشتن امکانات و شرایط لازم میتوانند کودکان ۴ سال کامل را ثبت نام و تا پایان ۶ سالگی به مدت ۲ سال تحت آموزش قرار دهند. (فولاد چنگ، ۲۰۱۷). امروزه با توجه به مفهوم تعلیم و تربیت، بحث آموزش در دوران اولیه‌ی کودک گسترش کمی و کیفی یافته است و آموزش و پرورش پیش از دبستان عبارتست از آموزشی که از زمان تولد آغاز و تا شروع اولین سال‌های دبستان پایان ۶ سالگی ادامه می‌یابد در چنین سالهایی کودکان مراحل مهم و حساس زندگی خود را از جهات شخصیتی، اجتماعی و آموزشی پشت سر می‌گذرانند با توجه به خصوصیات رشد و یادگیری کودکان، این دوره‌ی سنی در کشورهای مختلف به گونهای متفاوت طبقه بندی گردیده است که در اینجا به نمونه‌ای از متداول‌ترین طبقه‌بندی‌ها اشاره می‌گردد.

جدول ۱- طبقه‌بندی دوره‌های کودکی تا ۶ سال (منبع: مفیدی، ۱۳۹۹)

کودکان شیر خوار	از تولد تا ۱۸ ماهگی
کودکان نوپا	از ۱۸ ماهگی تا سه سال
کودکان نوباوه	از سه سال تا ۴ سال
کودکان آمادگی	از ۴ سال تا ۶ سال

۳- تعریف مهارت‌های روانی-حرکتی

اصطلاح روانی - حرکتی به مفهومی که در طبقه بندی کرات هول به کار رفته نشان می‌دهد که رفتارهای این حیطه شامل فعالیت‌های زیر است مهارت‌های دستکاری، مهارت‌های حرکتی و فعالیت‌هایی که انجام آنها به هماهنگی روانی - عضلانی نیاز دارد هماهنگی روانی - عضلانی به طور خلاصه همان کارآیی ایجاد هماهنگی بین تحریک عصبی و حرکت عضلانی است که منطقیاً نمیتواند به عنوان یک خرده طبقه مستقل در حیطه روانی - حرکتی مورد مطالعه قرار گیرد، زیرا که عملاً به طور ذاتی در دو خرده طبقه دیگر وجود دارد؛ به عبارت دیگر، مهارت‌های حرکتی و مهارت‌های دستکاری را رفتارهای قابل مشاهده انسان متحرک میدانند وقتی اصطلاح روانی - حرکتی به دو جزء روان و حرکت تقسیم شود به طور ضمنی حرکتی - ذهنی یا حرکت ارادی را میرساند بنابراین به عنوان یک تعریف مشخص و واضح میتوان گفت که واژه روانی - حرکتی در برگزیده همه حرکات ارادی قابل مشاهده انسان است. خصوصیت یکسان همه رفتارهایی که در حیطه روانی - حرکتی قرار میگیرند این است که اولاً همگی اعمال ارادی و قابل مشاهده یا الگوهای عملی بوده که به وسیله یادگیرنده به اجرا در می‌آیند و ثانیاً مربی آنها را به عنوان بخش اصلی هدفهای آموزشی برنامه‌هایی که برای آموزش دانش آموزان خود تعیین میکند انتخاب مینماید (هارو، ۱۳۹۸).

۳-۱- اهداف مربوط به رشد مهارت‌های روانی - حرکتی

رشد روانی و حرکتی کودک تحت تاثیر عوامل ارثی؛ وضعیت تغذیه؛ شرایط عمومی بدن و نیز فرصت برای حرکت و تمرین‌های ورزشی قرار میگیرد رشد حرکتی به صورت یک الگوی قابل پیش بینی جریان دارد و در حالی که توالی رشد هر کودک در طی عبور از مراحل رشد حرکتی تقریباً ثابت است؛ میزان و نحوه رشد او در هر یک از مراحل از کودکی به کودک دیگر متفاوت است و هر کودک از جدول زمانی خود پیروی می‌کند. تربیت ویژه یا محرکات خاص به بهبود کیفیت مهارت‌های کسب شده کمک میکند و این تنها در صورتی است که کودک به مرحله لازم و آمادگی جسمی رسیده باشد سال‌های اولیه کودکی؛ مرحله مطلوبی برای یادگیری مهارت‌های حرکتی است؛ زیرا کودک در این سن بسیار فعال و پر جنب و جوش است و از فعالیت لذت میبرد. بدن کودک بسیار انعطاف پذیر و برای بازی و فعالیت آماده است در این دوره نیز فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای جنب و جوش فعالیت و بازی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا استخوانها و ماهیچه‌های کودک هنوز در این مرحله در حال شکل گیری و رشد هستند کودکان همچنین از فعالیتهای زیاده از حد یا از نشستن در یک محل بدون حرکت و برای مدتی زیاد؛ خیلی زود خسته میشوند. بنابر این با ایجاد فرصت‌های مناسبی باید سعی کرد فعالیتهای حرکتی را بر طبق مرحله رشد؛ علائق و نیازهای کودک انتخاب نمود فعالیتهای گوناگون برای کودکان انتخاب کنیم تا علاقه کودک را بر انگیزد و استفاده از ماهیچه‌های مختلف و رشد هماهنگی بین آنها را میسر سازند مراکز پیش دبستانی یا فعالیتهای ویژه در جهت رشد جسمی و حرکتی؛ برنامه ریزی‌هایی را در این زمینه انجام میدهند؛ از جمله توجه و کنترل قد و وزن کودکان ترتیب دادن فعالیتهایی در جهت رشد هماهنگی ماهیچه ای درشت یعنی رشد کنترل حرکت ماهیچه های بزرگ بدن مانند رانها؛ پاها؛ تنه؛ ساقها؛ بازوها و غیره و نیز رشد هماهنگی ماهیچه ای ظریف؛ به ویژه انگشتان و هماهنگی ماهیچه های میچ دست و چشم و دست این هماهنگی کودکان را برای فعالیتهای بعدی مانند نوشتن؛ انجام کارهای هنری و فعالیتهای دیگری که مستلزم مهارت‌های هنری و حرفهای پیچیده است؛ آماده کند از آنجا که بازی اغلب با فعالیت بدنی همراه است؛ ارتباط نزدیکی با رشد و تربیت اندامهای بچه‌ها؛ مهارت‌های جنبشی مناسب و آمادگی بدنی آنها دارد بچه ها بدنشان را با شدت و لذت به کارهای جسمی وا می‌دارند و همزمان با آن به مهارت‌هایی می‌رسند که آنها را قادر میکند که از نظر بدنی احساس اطمینان، ایمنی و اتکای به نفس می‌کنند (کدیور، ۱۳۹۳)

۳-۲- نظریه های کسب مهارت‌های روانی - حرکتی

دو مکتب روانشناختی در حیطه کسب مهارت‌های روانی - حرکتی وجود دارند یکی مکتب تداعی گرایی که محیط را عامل تاثیرگذار مسلطی برای رفتار و یادگیری میدانند و دیگری مکتب شناختی که به تجزیه و تحلیل شناختی فرد اهمیت میدهد. مکاتب تداعی گرایی شناخته شده ترین نظریه تداعی گرایی نظریه پاولوف بود که سگها را وادار کرد در پاسخ به صدای زنگ بزاق ترشح کنند این رفتار محرک - پاسخ به عنوان شرطی سازی کلاسیک شناخته شد. در هنگام یادگیری مهارت‌ها پاسخهای پیش شرطی شده دانش آموزان از دیگر موقعیتهای یادگیری به جلسات یادگیری مهارتی تعمیم میابند به علاوه در موقعیتهایی که دانش پایه نادرست است و نیاز به اصلاح وجود دارد به کار می‌رود (نایت، ۲۰۱۸)

در نظریه پیوستگی گاتری این گونه بیان شده است که هر وقت به محرک پاسخ داده شود، تداعی در مغز ایجاد میگردد. این نظریه پرداز نقش تمرین را برای یادگیری اولیه نفی میکند زیرا یک محرک منجر به تداعی یا یادگیری فوری میشود با وجود، این گاتری از تکرار حمایت میکند و معتقد است که تکرار ارتباط محرک با پاسخ را چندگانه میکند و یادگیری کامل میشود به علاوه وی بر منحصر به فرد بودن مهارتها تاکید میکند و هر تداعی خاص را به مهارت خاصی اختصاص میدهد (اکسندین، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر تداعی گرای ثراندایک بر تمرین تاکید بیشتری دارد. او معتقد بود که در خلال مراحل اولیه یادگیری فعالیت‌های زیادی منجر به ارتباطات بین محرک و پاسخ میشوند که اینها عمدتاً تصادفی هستند. همانطور که یادگیری پیشرفت می‌کند حذف تدریجی پاسخهای نادرست با آگاهی از پاسخهای درست همراه میشود. تمرین صحیح پاسخ را محکم می‌کند آموزش مهارت در این رویکرد انجام تمرین مکرر در شرایط مساعد برای حذف تدریجی پاسخهای نادرست و نگهداری پاسخهای درست است به علاوه هر فعالیت مهارتی باید به گونه ای فرا گرفته شود که مهارتهای پیچیده تر بتواند با استفاده از مهارتهای بنیادی تحکیم شوند (همان منبع).

مهارتهای حرکتی نه تنها بایستی یاد گرفته شود بلکه خود یکی از شرایط یادگیری به حساب می‌آیند بسیاری از فعالیت‌های انسان به هماهنگی حرکات ماهیچه ای نیاز دارند پاره ای از این اعمال نظیر دست دراز کردن گرفتن و دنبال کردن اشیاء متحرک زود آموخته میشوند و بنظر میرسد که تا حد زیادی توسط الگوهای پاسخ ذاتی معین می‌شوند سایر اعمال که غالباً تلفیقی از این حرکات اساسی هستند بطور روشن باید در سنین پایین آموخته شوند عملکردهای حرکتی که کودکان یاد میگیرند مقاصد مشخص آینده نگرانه دارند کودکان نیازمندند که اجرای اعمال حرکتی را بیاموزند که در موقعیتهای آتی بارها و بارها به آنان کمک کند پژوهشگران صاحب نظر در حوزه مهارتهای حرکتی سه بعد مهم عملکردهای حرکتی را که از یادگیری مهارتهای حرکتی ناشی میشوند مشخص کرده اند ظریف در مقابل درشت پیوسته در مقابل مجزا و حلقه باز در مقابل حلقه بسته (گانیه، ۱۳۶۸).

هر گونه یادگیری احتیاج به یک سری شرایط ویژه و خاص دارد که با وجود چنین شرایطی است که توان بالقوه انسان برای کسب و اجرای آن یادگیری در عالم واقع به ظهور میرسد اولین شرط چنین کاری داشتن دستگاه عصبی مرکزی و پیرامونی سالم است وجود هر گونه نقص در سیستم عصبی انسان باعث بروز محدودیتهایی جدی در کسب تداوم و انجام بیساری از یادگیریها دارد (والش و دارابی ۲۰۱۹؛ اسپرینگر و دانچ، ۲۰۲۰).

در خصوص یادگیری مهارتهای حرکتی شرایط مطلوب و بهینه‌ای باید وجود داشته باشد که طبق نظر گانیه (۱۳۹۸) میتوان این شرایط را به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم کرد.

در بحث از شرایط درونی برای یادگیری مهارتهای حرکتی دو مساله مهم وجود دارد یکی یادآوری مهارتهای جزئی و دیگری یادآوری جریان اجرایی یک مهارت حرکتی تازه معمولاً از مهارتهای جزئی تری که قبلاً آموخته شده اند، تشکیل می‌شود حتی اجرای یک مهارت ساده نظیر رسم یک مربع توسط کودک نیاز به این دارد که مهارتهای جزئی گرفتن مداد و رسم کردن علامتهای جهت دار روی کاغذ انجام شوند غالباً مهارتهای جزئی در طول چندین سال آموخته و تمرین میشوند برای اینکه یک مهارت کلی آموخته شود مهارتهای تشکیل دهنده آن باید یادآوری شوند؛ یعنی اینکه برگه های درونی که هر مهارت جزئی را به حرکت و امیدارند باید بازبایی شوند و در حافظه فعال قابل دسترس باشند. علاوه بر این، اجرای یک مهارت حرکتی مستلزم رعایت الگویی از حرکات است که غالباً به صورت یک توالی ارائه می‌شود این روال به عنوان نقشه یا طرح حرکت در طی مرحله دوم یادگیری مهارت حرکتی هنگامی که روانی و دقت فزاینده مورد نیاز، باشد، باید به یادآورده شود.

علاوه بر شرایط درونی که ذکر شده انجام موفقیت آمیز یک مهارت حرکتی بستگی به شرایط بیرونی نیز دارد که این شرایط بیرونی عبارتند از:

۱. راهنمایی های کلامی
۲. شکلها یا تصاویر جهت دهنده
۳. انجام ذهنی حرکت در خیال
۴. انجام عملی حرکت در واقعیت
۵. بازخورد گرفتن

اگر چه ممکن است انجام مهارتهای حرکتی ظریف در نگاه اول زیاد غیر عادی به نظر نرسد و حتی ساده و معمولی در نظر گرفته، شوند اما کاوش و بررسی در ساز و کارهای زیربنایی مهارتهای حرکتی نشانگر پیچیدگیهای فوق العاده مهمی در سیستم شناختی و مغزی فرد است. برای نگهداری و حرکت بدن ساختمانهایی در دستگاه عصبی مرکزی و نخاع شوکی مسئولیت دارند اگر چه پدیدایی حرکات مختلف بدن بوسیله مراکز تخصصی انجام میشود ولی برای غلبه بر کنشهای حرکتی بین این مراکز حرکتی هماهنگی لازم مشاهده می‌شود. شود در نخاع شوکی بین کارهای حسی و حرکتی ارتباط سیناپسی گسترده ای برقرار است که به کنش حرکتی یا بازداری منجر میشود وقتی یک محرک به سرعت بطور خودکار بوسیله دستگاه عصبی پاسخی را ایجاد میکند میگویند بازتاب انعکاس صورت گرفته است فرایند بیشتر این قبیل بازتابها بصورت غیرارادی ناهشیار انجام می‌شود در مقابل حرکت نخاعی و مهار حرکتی بوسیله مراکز فوق نخاعی - که مراکز برتر نامیده می‌شوند. صورت میگیرد در حالی که مهرا و هماهنگی حرکات هدفدار و نگهدارنده بدن به عهده ساختمانهای موجود در ساقه مغز است انجام حرکات ارادی هدف دار از وظایف مراکز عالی مغز به شمار می رود (خداناهی، ۱۳۹۲).

حرکت در انسان برخلاف سایر موجودات از پیچیدگیهای بیشتری در سطح مغز برخوردار است اگر انسان تنها قادر به انجام حرکات بازتابی انعکاسی بود شاید به نوعی نسل او منقرض میشد ولی به دلیل تغییر در بازتابها انسان قدرت سازگاری بیشتری با محیط پیرامون خود پیدا کرده است در انجام یک مهارت حرکتی ساده و ارادی علاوه بر نورونهای آوران و وبران قسمتهای دیگر مغز نظیر مخچه هسته های قاعده ای جسم سیاه، هسته های قرمز و ماده مشبک - مجموعه ای که میتوان آن را دستگاه خارج هرمی نامید نقش دارند و بدون هماهنگی این اجزاء انجام یک حرکت غیرارادی ساده غیر ممکن میشود (معظمی، ۱۳۹۸)

لوریا (۱۳۹۸) معتقد است که روان شناسی کلاسیک با حرکت و عمل انسان به عنوان بازتابی یک کنش ارادی برخوردار میگرد و آنها را نتیجه تلاش اراده که بطور خودبخودی موجب حرکت می شود، می دانست. مسلماً چنین دیدگاهی در واقع از نزدیک شدن به مطالعه حرکات ارادی جلوگیری میکرد و اجازه نمیداد که این حرکات مورد تحلیل علمی یا علت گرایانه قرار بگیرند در نتیجه این نگرش انگارگرایانه که مطالعه حرکت ارادی انسان را از علم جدا میکرد بالاجبار به سرعت جای خود را به نگرش متضاد داد که با این وجود همان بن بستی رسید که اندیشه اراده گرایانه رسیده بود. این نگرش که اساساً مکانیکی است بر مبنای این اندیشه قرار داشت که حرکات ارادی یا اعمال آگاهانه در واقع چیزی بیش از واکنشهای اجباری ظاهری نسبت به محرکهای خارجی نیست. این دیدگاه که حرکت و اعمال ارادی را در اصل عکس العمل میدانست علل مهم فعالیت انسانی را از حالت اختصاصی اش تهی کرد و به جای آن ساز و کارهای بسیار ساده ای نظیر مکانیسمهای آزادسازی ذاتی را پیشنهاد نمود.

ویگوتسکی به نقل از لوریا (۱۳۹۸) این اندیشه را مطرح کرد که منشا حرکت و عمل ارادی نه در درون موجود زنده و نه تحت تاثیر مستقیم تجربه گذشته است بلکه منشا حرکت ارادی در تاریخ اجتماعی انسان قرار دارد. در کار در اجتماعی که سرآغاز تاریخ انسان را مشخص میکند و در ارتباط بین کودک و بزرگسال که مبنای حرکت ارادی و عمل هدفمند است رفتارهای ارادی و خودداخته رشد می یابند او معتقد بود که هر کوششی در جهت جست و جوی ریشه های زیستی عمل ارادی محکوم به شکست است به عقیده او مبدا حقیقی کنش ارادی در دوران ارتباط کودک با بزرگسال نهفته است یعنی زمانی که عملکرد بین دو فرد تقسیم میشود زمانی که بزرگسال به کودک به صورت شفاهی دستور میدهد که فنجان را بگیر یا توپ اینجاست و کودک از دستور اطاعت میکند چیزی را که نامش برده شده است بر میدارد یا به آن خیره می. شود. در مراحل بعدی، رشد کودکی که قبلاً از دستور بزرگسال اطاعت کرده است اکنون حرف زدن را فرا گرفته است و میتواند به خودش دستورات شفاهی دهد رفتار را تابع خود میکند نگاه کنید.

یکی از نظریه هایی که در آن ارتباط بین مهارتهای روانی - حرکتی حسی - حرکتی و سازگاری را به روشنی بیان کرده است نظریه رشد شناختی پیاژه است. نظام پیاژه در تبیین تحول ذهنی تا حدود زیادی تحت تاثیر آموزش و کارهای اولیه او به عنوان یک زیست شناس قرار داشت بر اساس یافته های پیاژه از زیست شناسی او به این نتیجه دست یافت که کنشهای زیستی برای انطباق با محیط مادی و سازمانهای محیطی انجام می. شوند همچنین معتقد بود که ذهن و بدن جدا از هم کار نمیکنند و قوانین حاکم بر فعالیت ذهنی و روانی نظیر همان قوانین حاکم بر فعالیت زیستی است. این انتقاد پیاژه را بر آن داشت تا تحول ذهنی را بیشتر به همان روش تحول، زیستی تفسیر و تبیین کند او اعمال شناختی را عملکردهایی می دانست که برای سازماندهی محیط و انطباق با آن انجام میشوند البته این مطلب به هیچ وجه بدین معنی نیست که رفتار ذهنی را کاملاً میتوان نظیر کنش زیستی دانست اما میتوان نتیجه گرفت که مفاهیم مربوط به تحول زیستی می توانند در بررسی تحول ذهنی سودمند واقع شوند. در واقع پیاژه ادعا کرد که اصول اصلی تحول شناختی شبیه همان اصولی هستند که در تحول زیستی وجود دارند پیاژه سازمان دهی و انطباق را در فرآیند مجزا نمی دانست برای درک فرآیند سازماندهی و انطباق شناخت چهار مفهوم زیر ضروری است:

۱. طرح واره
۲. درون سازی
۳. برون سازی
۴. تعادل جویی

پیاژه معتقد بود که در ذهن نیز ساختارهایی وجود دارد که از این لحاظ میتوان گفت که بین بدن و ذهن شباهت زیادی وجود دارد برای کمک به تبیین این موضوع که چرا کودکان همه اشخاص پاسخهای نسبتاً ثابتی به محرکها میدهند از کل طرحواره استفاده کرد طرحواره ها ساختارهای شناختی یا ذهنی هستند که فرد به وسیله آنها خود را با محیط پیرامونش منطبق میکند و به آن محیط سازمان میدهد طرحواره ها ساختارهایی محسوب میشوند که می توان آنها را ترجمان ذهنی وسایل انطباق زیستی در نظر گرفت. چون ساختارهای شناختی دائماً در حال تغییر هستند لذا باید تلاش زیادی جهت رشد و تحول آنها صورت گیرد مفاهیم بزرگسالان و کودکان با هم تفاوت دارند زیرا طرح واره ها که قرینه های ساختاری آنها محسوب میشوند پیوسته در حال تغییرند طرحواره های شناختی یک بزرگسال در طرح واره های حسی - حرکتی دوران کودکی وی ریشه دارند فرایندهای درون سازی و برون سازی مسئول چنین تغییری میباشد (وادزورث، ۱۳۹۸)

از نظر زیستی درون سازی به منزله توحید عناصر برونی با ساختهای ارگانیزم است خواه این ساختها به اتمام رسیده باشد خواه در راه تشکیل باشد پس اگر چنین واضح است که فرایند کلی درون سازی متوجه رفتار نیز هست و تنها با زندگی ارگانیک ارتباط ندارد در واقع هیچ رفتاری حتی اگر برای فرد تازگی داشته باشد، شروع مطلق نیست و همواره با طرح واره های قبلی پیوند می یابد و در نتیجه به درون سازی کردن عناصر جدید، در ساختهایی که قبلاً تشکیل یافته اند اعم از اینکه مانند بازتابها فطری یا قبلاً کسب شده باشند منتهی میگردد؛ اما اگر در زمینه تحول روانی فقط درون سازی نقش داشت هرگز تغییراتی به وقوع نمیپیوست در نتیجه اکتسابی وجود نداشت حتی تحول درون سازی برای تامین پیوستگی ساختها و توحید عناصر جدید به این ساختها ضروری است. در زمینه زیستی درون سازی هرگز به صورت محض وجود ندارد بلکه با برون سازی همراه است سازش زیستی همانند سازش شناختی به منزله تعادل بین درون سازی و برون سازی است. همانطور که گفته شد بدون درون سازی برون سازی وجود ندارد اما باید قویا در این باب تاکید کرد که بدون برون سازی هم درون سازی وجود ندارد تعادل تدریجی بین درون سازی و برون سازی مبین وجود فرایندی نسبتاً اساسی در تحول شناسایی هاست و میتوان آن را با اصطلاحات میان گرایی و میان واگرایی بیان کرد درون سازی تغییر شکل دهنده ای است که در جریان مراحل حسی - حرکتی یا مراحل تجسمی ابتدایی وجود دارد تغییر شکل دهنده از این نظر که با برون سازیهای کافی همراه نیست و دارای این معناست که آزمودنی بر اعمال و نقطه نظر خود متمرکز است در حالی که تعادل جویی تدریجی بین درون سازی و برون سازی حاصل میان واگذاریهای پی در پی است که به آزمودنی رخصت میدهند خود را بجای اشیا یا سایر آزمودنیها قرار دهد. از این طریق است که اجتماعی شدن و سازگاری حاصل میشود (منصور و دادستان، ۱۳۹۴)

وجود توازن بین درون سازی و برون سازی را تعادل جویی مینامند و در حقیقت تعادل جویی مکانیسمی خودنظم جوست که وجود آن تضمین کننده برقراری تعاملی کارآمد بین کودک و محیط میباشد. تعادل همان توازنی است که بین درون سازی و برون سازی وجود دارد عدم تعادل نیز به نابرابری بین درون سازی و برون سازی است. پس تعادل جویی فرایند حرکت از عدم تعادل به سمت تعادل میباشد تعادل جویی فرایندی خودنظم جوست که اسباب آن را درون سازی و برون سازی تشکیل میدهند تعادل جویی به تجربه بیرون فرصت میدهد تا در ساختارهای درونی طرح وارهها جذب شود وقتی عدم تعادل پیش میآید در کودک انگیزش برای جستجوی تعادل حل مشکل ایجاد میشود که او را آماده درون سازی و برون سازیهای بعدی می کند. تعادل حالتی است که ارگانیزم همواره برای رسیدن به آن در تلاش است ارگانیزم در نهایت تمام محرکها را درونی سازی میکند و این کار را با برون سازی یا بدون آن انجام میدهد نتیجه این فعالیتها دستیابی به تعادل است بنابراین تعادلجویی را میتوان حالتی از توازن شناختی تعریف نمود که تحقق آن در نهایت وابسته به درون سازی است (وادزورث، ۱۳۷۸).

اگر درون سازی و برون سازی بر یکدیگر ارجحیتی نداشته باشند و بین آنها توازن کامل برقرار باشد در حقیقت کودک به هوش سازش یافته دست پیدا کرده است (فلاول و میلر، ۲۰۱۸) پیازه به نقل از فلاول، ۱۳۹۷ معتقد است که بازتابهای فطری کودک در طی یک سری مراحل تدریجی از شکل انعکاسی خارج شده و کودک سرانجام با هماهنگی، دست پا چشم و سایر اعضای بدن به مهارتهایی دست می یابد که پایه و اساس هوش او را تشکیل میدهد و سازگاری فرد از همین جا نشات می گیرد. برون نیز (۲۰۱۹) در یکی از فصول ارزشمند کتاب مطالعاتی بر رشد شناختی به مساله مهارتهای حرکتی اشاره کرده است و اهمیت آن را در شکل گیری سازمان بندی ادراکی و رشد مهارتهای شناختی و عقلانی کودک مورد تاکید فوق العاده قرار داده است. او معتقد است که کودک به هنگام تولد، شناخت تصویر خاصی از جهان خارج و همینطور خودش ندارد اما به کار انداختن دستها و چشمهای کودک به تدریج منجر به شکل گیری ذهن او می شود. نقص در شکل گیری مهارتهای حرکتی ساده نظیر هماهنگی دست و پا یا هماهنگی دست و چشم باعث بروز مشکلاتی در تحول بهنجار و رشد ذهنی کودک میگردد.

۴- نتیجه گیری

در نتیجه میتوان با توجه به نتایج یافتهها، گفت امروزه با توجه به مفهوم تعلیم و تربیت، بحث آموزش در دوران اولیه ی کودکی گسترش کمی و کیفی یافته است و آموزش و پرورش پیش از دبستان عبارتیست از آموزشی که از زمان تولد آغاز و تا شروع اولین سالهای دبستان پایان (۶ سالگی) ادامه می یابد در چنین سال هایی کودکان مراحل مهم و حساس زندگی خود را از جهات شخصیتی اجتماعی و آموزشی پشت سر می گذرانند. آموزش هرگز یک جنبه ندارد بلکه جنبههای عقلانی، عاطفی اجتماعی و جسمی توأم عمل می کنند. به عبارتی دیگر مربیان ارزشمند باید همزمان و به صورتی متعادل به اهداف سه گانه، شناختی عاطفی و روان حرکتی توجه نمایند و یکی را فدای دیگری ننمایند در این وضعیت میتوان شاهد رشد متعادل و موزون کودک بود و آموزش درست نیز به این شکل از فعالیت گفته می شود یک برنامه آموزش و پرورش مناسب در این دوره باید تجاری محرک برای رشد در جوانب یاد شده فراهم نماید این تجارب و فعالیتها باید آنگونه باشد که حرکتی سازنده و مؤثر در کودک ایجاد نماید نه آنها که برای یک دوره ی زمانی امکانی خاص و به شکل محدودی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین می توان گفت موفقیت کودکان

در مدرسه تا حدودی به رویدادهایی بستگی دارد که آنها قبل از ورود به مدرسه تجربه کرده اند. آمادگی کودکان برای ورود به مدرسه و موفقیت بعدی آنها در تحصیل، با جنبه های مختلف رشد آنها مرتبط است عواملی از قبیل رشد، جسمی، اجتماعی، شناختی دانشی و چگونگی یادگیری در تعیین موفقیت آنها در مدرسه نقش دارند.

۴-۱- پیشنهادها

با توجه به نتیجه بدست آمده از فرضیات پژوهش که نشان داد دانش آموزانی که تجربه پیش دبستانی داشتند از مهارتهای شناختی عاطفی و روانی حرکتی بیشتری برخوردارند پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می شود:

- سرمایه گذاری بیشتر بخشهای دولتی
- تحت پوشش قرار دادن هر چه بیشتر کودکان ۴ تا ۶ سال
- توجه بیشتر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به آموزش پیش دبستانی
- بالا بردن آگاهی والدین و تشویق هر چه بیشتر آنها برای سپردن فرزندانشان به این مراکز
- مجهز کردن مدیران و مربیان به دانش شیوه های نوین علمی
- استفاده از کمربیان مجرب و متخصص در مراکز پیش دبستانی
- ارائه دوره های آموزش ضمن خدمت به منظور بالا بردن اطلاعات مربیاناز یافته‌های علمی و روان شناسی
- برگزاری دوره های آموزشی مکاتبه ای
- تهیه مجله های تخصصی برای مربیان
- ایجاد انگیزه در معلمان برای تقبل کلاسهای پیش دبستانی مربیان قبل از هر چیز تربیت دهنده و تسهیل کننده آموزش کودکان هستند پس مربیان باید از افراد شایسته و با سواد انتخاب شوند.
- تشکیل جلسات متعدد مربیان و کارکنان این مراکز با اولیای تمامی کودکان، برای برطرف کردن مشکلات و استفاده از تجربیات یکدیگر

منابع

۱. ابراهیمی، قوام صغری (۱۳۹۴) ارتباط بین توانمندیهای حرکتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی منطقه چهار شهر تهران پایانامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی
۲. آدلر آدلر (۱۳۹۱) روان شناسی فردی ترجمه حسن زمانی تهران پیشگام
۳. آرمند، محمد (۱۳۹۲) روشهای تدریس فعال و آراء صاحب نظران رشد معلم شماره ۴
۴. احدی و بنی جمال، (۱۳۹۰) رشد کودکی و نوجوانی، چاپ دوم تهران بنیاد مستضعفان
۵. اسحاقی، نیا حمید (۱۳۹۳) بررسی تاثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر پیشرفت ذهنی، تحصیلی و سازگاری عاطفی اجتماعی کودکان دبستانی شهرستان تربیت حیدریه پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران
۶. اکبرزاده نسربین (۱۳۹۶) گذر از نوجوانی به پیری و نقش هوش و فراشناخت در آن، دانشگاه الزهراء
۷. بیرشک و مرادی (۱۳۹۲) بررسی رابطه بین آموزش پیش دبستانی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان کلاس اول ابتدایی شهرستانهای تهران در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای تهران بلوم بنجامین و همکاران (۱۳۷۴) طبقه بندی هدفهای: پرورشی حوزه شناختی ترجمه: علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی تهران رشد
۸. بیلر، رابرت (۱۳۹۸) کاربرد روانشناسی در آموزش، جلد دوم چاپ ششم ترجمه کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی ۱-۱۱
۹. پاکاریان، سارا (۱۳۹۶). تحلیل برنامه دوره آمادگی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اصفهان پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران
۱۰. تشکری، عباس و همکاران (۱۳۹۴) اثر آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی و هوش کودکان در دوره دبستان نشریه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تهران دوره هشتم، شماره ۳ و ۸